

بیت خود را انجام دهد، ولی انفرادی - طبیعی و عمومی - نه انفرادی - مصنوعی

رویا به گدازه‌ها

« بحصول آمدن یک تجدید ادبیات ایران که یک حوض
کلاسیک بسیار عفا فی گذراننده است، کار آسانی نیست »
و در این امر، امرامانه دانستن همراه است.

لا یرنگه

مجدد با ما و فصاحت و بلاغت (لفاظ نظم و نثری)
با مراعات تلفظ ادبی و تطبیق آن با زبان عمومی
جدیدترین راهی را که جدید تر از آن را هنوز ادیبان دیگر
بیان نکرده‌اند، همون راه است.

(هفتاد و یک)

تجدید بگونه « آرا لطف بالا جوان دمه و با بعبارة افرو
ساز بر ضد جوان شناسه ، زیرا با جزئی تر شناسه در آن نتوانسته
در اسفندت جوان قطع مراحلی نمانده »

یا بگونه

این تشبیهات در حقیقت صفت ندارد . بدان بنامش قوه
عضلات و قویم بنده نیست . نه لازم است آرا و در پس جوان
دیم . نه قوت دارد با عضلات شناسیم . بلکه لای ترا
همه اقوال قوه ندارد که لای طرف با لولت نتوانیم رفت
و بالا غیر این معنی است که اگر هم اصیلاً معنی داشته باشد
در روزه معانی در روح ادبیات با لای بیال شود . در حقیقت
صحت ما در هرگز ادان معانی است « عمارت پیرامان »
معنی پاره آد کولای لغوی و صورتی : این است آنچه ما در جوانی او

حاجت منکم نه انکه آجارت منم خراب شود بلکه حاجت از حق
درگاه بصیرت و محال قبل از « امر سردگان » منکم این عمارت است که ما
نمیخواهیم باینه آن خودتندی آنرا به حصه خودمان نگاهداریم و ابوالان
آز انقضای قیام بدیم وافر با این مصالح سدر جانای تو آئین برین
بریزیم . نقش و نگار در دیوار کنگره نگاه آهنگت جنبه در مورد
عمارت نفوس ما ، قیاس مع الفارق و مخالط است . رودت ما دعوی
مخالفه عادات دافلان و کما یکن سال را نمودم . نور اشکاف اوان کسری
و نقاض برین پلیس را با نشان بدیده . این دعوی کجا شک است ؟
اینه خود رفتن بر این چه ؟

اگر من متحدین - لغات و اصطلاحات در آئین ادب ایران را
نظر القاض بدان منده اند - صریح بدون ترس و دامن تنویر ما بسم حد
نخواهیم کرد . فقط از شما خواهیم پرسید که بعضی این آخر آویزیه آنرا برین
دای مصالح حافری نظر از کدام گروه دستگیر کنند و اگر خواهد آورد

تا ما هم بروم دنیا بروم!

شما با بگوشه: "نترسه" نوشتیم - بنیان را با آب بی دردی
و انتقاد بگوشه "

در حالتی که ما هم معصودنا حیت؟ آیا معانی گفته آثار اصغر
داریم؟ یا لغات آثار؟ در معانی گویا مدعی محافظ آداب است

که ما لفظ "نترسه" را تکرار میکنیم (صغر ۱۲۱)

بیمبسی بخواب خود با تو است در آن بسم راه اروپا را با یکجاده و سر
طریقه. آسون باشه. بکسی هم توصیه میکنیم. اگر هم چنین اصرار به آن
ما و شما هم تفاوت - ادعای هر

دلگ در لغات حرف داریم، اما را تسمیع به هم بنیان آن لغوی
سفرنامه، بسم الله که مقدم یک طریقه آنرا از متن از بزرگ و معانی
طبعی لغات) یا بیاموزید و متن از امر "سر لکائن - اصباح و الکائن

بگفت آن وضع گشته ، یک وزن جدید که ایرانی آنرا الهه از اوردان
فحاشی امروزه اسامی مانند اقرام گشته . تا اگر عملاً نماندند لایق
دامع تر توابع صرف وارد گشتند آنها که خود را بیرون نامند بیاد در
بندیده در زمان خود آنقدر استقلال دیکه در بخرج دهنه که سعدی ؟ در
زمان خودشان بخرج دادند ؟

حالا بفهم که سعدی حقیر استقلال دیکه در بخرج دادند ؟ سعدی بگفته
تصرف در اوردان الفات و هم معانی بکار نبردند سعدی فقط بزبان مع
خود حرف زده (صفر ۱۱۱ تا ۱۱۲)

استقلال دیکه سعدی فقط معانی او را در محیط الیه لکاتی ، اصباح و افغان
لویه و ما هم همین اصل ما به با لغویاتی مستقلانه معتقدیم

ما در زیر یک ماضی «تقلید» بقیه ساله و مطابق تاریخ اریات
مزار و پنجاه یا صد ساله بخش شده و نسیم . ولی مثل محمد بن زکریا
(که بهیچوجه با اریات فارسی در همان مذکور است) ندیده

و ایهات عم را با بهره از کرده ایهات اردو یا بنامه اصلاح گفته ، هم نشتم که
لاز مجید ترکیبات لفظیه فقط به تقیه یک ذره قاضی داشته شد
و از مجید ترکیبات معانی و بیانی به تقیه تشبیهات ناقصی یا شرح
بعضی از عقدهات جدید . اکتفا ، شایم و چون شود و لغت هم نشتم
تمام اسفار عدم را لغت کرده و تمام ترکیبات لغوی را این است از نیم در ترکیبات
غیر ضروریه مقبیه از عبارات داشته یا ترکیب را تمام مجید و انقلاب ادب
مورد اشتراک خود قرار هم . نه . دارد نه عقدهات و فنون معانی
و بیان جدید از نیم هم بنامه در کتب مانده و اما در ترکیبات لغوی و لفظیه
با زبان مادری و علاوه ترکیبات بدایه نام و ادب خودمانی را با خلقت
یا مال کثرت و فقط در این است که تا بتوانیم همه جوانم را که بدون دست
فرمانده « لفظی » و بدون ^(صفت ۱۲۲) « اصناف و امکان » در می
برند هم و بر نگوییم درست . نه آرا سولی لطف یا آرا در آن کلام
شرفه ای ادبی بدایه خود جریان داریم و نه استقلال خودمانی را در

انسان بچیل و غرما توی سونک یا اربابا مل دختن کد شد مللا نوزع
به نزه فوایم بنه است

۲۰۲۰